

یادداشت

مکانیسم‌ماشه

تقابل دوروایت سیاسی و حقوقی



محسن شریف خدائی

تخلیگر روابط بین الملل

مکانیسم‌ ماشه - یکی از سازوکارهای مندرج در قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد- به اعضای توافق هسته‌ای برجام اجازه می‌دهد در صورت نقض تعهدات از سوی ایران، تحریم‌های بین‌المللی به‌طور خودکار بازگردند. این سازوکار که در ابتدا به‌عنوان تضمینی برای پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای طراحی شد، اکنون به نقطه‌ای از تقابل حقوقی، سیاسی و ژئوپلیتیک تبدیل شده است. براساس روایت ایران، این مکانیسم پس از گذشت ۱۰ سال از تصویب قطع‌نامه ۲۲۳۱، یعنی در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵، منقضی شده است و دیگر قابلیت اجرا ندارد. اما از منظر ایالات متحده و کشورهای غربی، همین تاریخ نقطه آغاز بازگشت همه تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران است؛ چراکه به‌زمع آنان، ایران تعهدات برجامی خود را نقض کرده و مکانیسم ماشه به در خواست سه کشور اروپایی عضو برجام -فرانسه، بریتانیا و آلمان- طبق مفاد قطع‌نامه ۲۲۳۱ در شورای امنیت فعال شده است. در مقابل، ایران، روسیه و چین آن را فاقد اعتبار حقوقی دانسته و با آن مخالفت کرده‌اند. این اختلاف برداشت، زمینه‌ساز مناقشه‌ای جدی میان قدرت‌های جهانی شده و بر آینده توافق هسته‌ای و نظم بین‌المللی تأثیرگذار خواهد بود.

ایالات متحده با وجود خروج رسمی از برجام، تلاش کرده است از طریق فشار سیاسی و دیپلماتیک، کشورهای اروپایی را به همراهی با طرح بازگشت تحریم‌ها ترغیب کند. این فشارها منجر به همسویی نسبی اروپا با واشنگتن شده است. کشورهای اروپایی نیز با استناد به گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران را ناقض تعهدات برجامی معرفی کرده‌اند و خواهان بازگشت تحریم‌های سازمان ملل هستند. در این میان، ۹ کشور اروپایی غیرعضو اتحادیه اروپا شامل مولداوی، نروژ، ایسلند، آلبانی، صربستان، بوسنی‌هرزگوین، مونتنگرو، مقدونیه شمالی و اوکراین نیز با موضع اتحادیه اروپا همراهی کرده‌اند. این همراهی، همسویی آنها با روایت غربی در زمینه بازگشت تحریم‌ها و اعمال فشار دیپلماتیک بر ایران است؛ هرچند برخی از این کشورها تلاش کرده‌اند موضعی متعادل‌تر اتخاذ کنند.

در مقابل، ایران معتقد است پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته‌ای برجام، کشورهای غربی صلاحیت حقوقی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه را از دست داده‌اند.

از منظر ایران، کشورهای اروپایی خود نیز در اجرای تعهدات برجامی‌شان، به‌ویژه در زمینه راه‌اندازی و عملیاتی‌سازی سازوکار مالی اینستکس، ناکام بوده‌اند. این سازوکار که قرار بود امکان تجارت محدود با ایران را در چارچوب تحریم‌های آمریکا فراهم کند، هیچ‌گاه به‌طور مؤثر عملیاتی نشد و نتوانست انتظارات تهران را برآورده کند. ایران معتقد است اروپا با عدم ایفای تعهدات اقتصادی خود، زمینه کاهش تعهدات هسته‌ای ایران را فراهم کرده و بنابراین فاقد جایگاه حقوقی و اخلاقی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه است. از دیدگاه تهران، ادعای نقض برجام از سوی ایران بدون در نظر گرفتن نقض‌های پیشین آمریکا و اروپا و همچنین بدون بازگشت به سیستم حل اختلاف که در برجام در نظر گرفته شده، فاقد اعتبار حقوقی و سیاسی است و بیشتر در خدمت اهداف فشار حداکثری غرب قرار دارد. این موضع توسط روسیه و چین نیز به‌طور رسمی تأیید شده است. برای نخستین بار در تاریخ شورای امنیت، دو عضو دائم این شورا -روسیه و چین- به‌طور علنی با تصمیمات تحریم‌ها شورا مخالفت کردند و آن را «غیرحقوقی» و «سیاسی» خواندند. این مخالفت نه‌تنها نشان‌دهنده شکاف عمیق در ساختار تصمیم‌گیری شورای امنیت است، بلکه بازتابی از تقابل نظم جهانی غرب‌محور با نظم نوظهور شرق‌محور نیز محسوب می‌شود. در میان کشورهای همسایه و دولت‌های مستقل، مواضع نسبت به اجرای مکانیسم ماشه عمدتاً محتاطانه بوده و بر حفظ دیپلماسی چندجانبه تأکید دارند. هند، افریقای جنوبی و برزیل به‌طور مثال، فاقد نشان‌دهنده تحریم‌های یک‌جانبه حمایت نکرده‌اند و خواهان حفظ مسیر گفت‌وگو هستند. از کشورهای عربی مانند قطر و عراق نیز مخالف فشارهای بین‌المللی هستند و از تنش‌زدایی با ایران استقبال می‌کنند. عربستان سعودی موضعی دواکنه دارد و با وجود نگرانی‌های امنیتی، از اظهارنظر رسمی در این‌باره خودداری کرده است. ترکیه برخلاف انتظار، اعلام کرده است تحریم‌های شورای امنیت را اجرا خواهد کرد؛ اقدامی که با واکنش تند ایران مواجه شد. این مجموعه مواضع نشان می‌دهد که اجماع منطقه‌ای و جهانی برای اجرای کامل مکانیسم ماشه هنوز شکل واقعی نگرفته؛ هرچند قدرت اجرایی تحریم‌ها همچنان در اختیار آمریکا و در دستان غرب باقی مانده است. از منظر حقوق بین‌الملل، فعال‌سازی مکانیسم ماشه در حالی که یکی از اعضای اصلی از توافق خارج شده، محل تردید جدی است. قطع‌نامه ۲۲۳۱ به‌صراحت اعضای توافق را ذی‌حق در استفاده از این سازوکار می‌داند. با این حال، در عمل، ابزارهای تحریمی در تحریم‌های آمریکا و متحدان غربی قرار دارد. نظام مالی بین‌المللی، کنترل بر شبکه‌های بانکی و توانایی اعمال فشار بر شرکت‌ها و کشورها، به غرب امکان می‌دهد تحریم‌ها را حتی بدون اجماع حقوقی، به صورت مؤثر اجرا کند. این واقعیت نشان می‌دهد در نظم جهانی کنونی، مشروعیت حقوقی لزوماً به معنای قدرت اجرایی نیست.

در چنین شرایطی، ایران برای مقابله با این روند، باید رویکردی چندلایه و واقع‌گرایانه اتخاذ کند. نخست، تقویت دیپلماسی چندجانبه با کشورهای مستقل و سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند به کاهش فشارهای سیاسی کمک کند. دوم، همکاری مشروط با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای کاهش تنش‌های حقوقی و جلوگیری از صدور گزارش‌های منفی ضروری است. سوم، تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی و استفاده از سازوکارهای مالی جایگزین، ارزهای محلی و شبکه‌های بانکی غیرمبتنی بر دلار می‌تواند بخشی از اثر تحریم‌ها را خنثی کند. چهارم، مدیریت افکار عمومی جهانی از طریق رسانه‌های داخلی و بین‌المللی و برجسته‌سازی پیامدهای انسانی تحریم‌ها، می‌تواند مشروعیت سیاسی ایران را تقویت کند. و در نهایت، ادامه روند تنش‌زدایی منطقه‌ای با کشورهای همسایه به‌ویژه کشورهای عربی مانند عربستان، قطر و امارات، می‌تواند از شکل‌گیری اجماع منطقه‌ای علیه ایران جلوگیری کند.

مکانیسم ماشه اکنون فراتر از یک ابزار حقوقی، به نمادی از تقابل دو جهان‌بینی تبدیل شده است؛ جهان‌بینی غربی که به دنبال حفظ کنترل و فشار موجود و جهان‌بینی شرقی که خواهان بازتعریف قدرت و استقلال راهبردی است. در این میان، ایران با بهره‌گیری از حمایت چین و روسیه، تلاش می‌کند از فشارهای غربی عبور و جایگاه منطقه‌ای خود را تثبیت کند. اما مسیر پیش‌رو پرچالش است و آینده برجام، دیپلماسی هسته‌ای و حتی نظم جهانی به نتیجه این تقابل بستگی دارد.

در نهایت، اگرچه مخالفت روسیه و چین در شورای امنیت بی‌سابقه و مهم ارزیابی می‌شود، اما در غیاب اجماع جهانی و با توجه به سلطه مالی و دیپلماتیک غرب، اجرای تحریم‌ها همچنان محتمل و مؤثر خواهد بود؛ حتی اگر مشروعیت حقوقی آن محل مناقشه باشد. ایران باید با واقع‌گرایی راهبردی، مسیر کاهش فشار و حفظ دیپلماسی را دنبال کند تا بتواند در این تقابل پیچیده، جایگاه خود را تثبیت کرده و از آسیب‌های بیشتر جلوگیری کند.

مهدی بازرگان: در فاصله چند هفته تا نشست فصلی شورای

حکام در نوامبر ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴) که نخستین نشست بعد از اتمام برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ خواهد بود، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتم، بار دیگر در مصاحبه‌های خود با تکیه بر همان رویکردهای گذشته، اظهاراتی علیه ایران و فعالیت‌های هسته‌ای این کشور مطرح کرد. این موضع‌گیری‌ها که در آستانه نشست حساس شورای حکام صورت می‌گیرد، می‌تواند تحت تأثیر فشارهای سیاسی کشورهای غربی و ترونیکیای اروپایی ارزیابی و زمینه‌ساز افزایش تنش‌های رسانه‌ای و سیاسی شود. تحلیلگران معتقدند هدف گروسی حفظ نقش سیاسی آژانس و بهره‌برداری از فضای رسانه‌ای برای فشار بر ایران است.

در همین زمینه، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود با روزنامه آلمانی «نویه زوریخ» تسلیتویگ» نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران را مورد بحث قرار داد و بر اهمیت دیپلماسی و دسترسی بازرسان آژانس تأکید کرد. گروسی تصریح کرد نگرانی درباره احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هنوز به‌طور کامل برطرف نشده است، اما بازرسان آژانس بر این باور نیستند که ایران مقادیر زیادی اورانیوم غنی‌شده را از مکان‌های مختلف پنهان کرده باشد. او افزود: «اطلاعات موجود نشان می‌دهد بیشتر این مواد در تأسیسات شناخته‌شده اصفهان، فردو و تا حدودی نطنز نگهداری می‌شوند».

در پاسخ به پرسشی درباره حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد که ایران در اختیار دارد، گروسی توضیح داد: «شناسایی این مواد کاملاً ممکن است و آژانس تقریباً می‌داند این اورانیوم کجا قرار دارد. مسئله اصلی، دسترسی به این مواد است و اینکه ایران چه تصمیمی برای آن خواهد گرفت؛ آیا قصد نگهداری، کاهش غنی‌سازی یا انتقال به خارج از کشور دارد.» او تأکید کرد: «بخش اعظم اورانیوم همچنان در تأسیسات اصفهان و فردو و بخش‌هایی از نطنز قرار دارد؛ هرچند برخی تأسیسات آسیب دیده و بخشی از آنها در زیرزمین مستقر است. دسترسی کامل بازرسان فقط زمانی حاصل می‌شود که ایران این همکاری را در راستای منافع ملی خود ببیند.» گروسی درباره مذاکرات دیپلماتیک و نقش احتمالی ترامپ در آینده منطقه نیز باور دارد: «شنیدن سخنان ترامپ درباره راه‌حل دیپلماتیک و بازبودن بجره مذاکرات برای تهران پیام قدرتمندی بود.» او عنوان کرد: «اگر همه طرف‌ها دوباره بر سر یک میز بنشینند، از خطر دور جدیدی از حملات جلوگیری خواهد شد؛ هرچند نگرانی‌ها درباره گسترش تسلیحات هسته‌ای هنوز پابرجاست.» مدیرکل آژانس همچنین به مسائل امنیتی جهانی اشاره کرد و گفت: «سرنوشت منطقه به مسئله فلسطین و آینده ایران گره خورده است، رافائل گروسی پیش از این و در گفت‌وگو با «بنیاد نواوری برای توسعه» تأکید کرد: «گزارش آژانس به‌صراحت نشان می‌دهد ایران هیچ برنامه‌ای برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای ندارد و ادعای اینکه این گزارش باعث حمله اسرائیل شده، اشتباه است.» او افزود: «حملات نظامی اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، شامل راکتورها و دانشمندان، تأثیری بلندمدت بر توان هسته‌ای کشور ندارد و قابلیت‌های فنی و فناوری ایران قابل بازرسازی است.» این دیپلمات هسته‌ای خاطرنشان کرد: «بازرسان آژانس به‌تازگی به ایران بازگشته و بازدید از راکتور بوشهر به‌عنوان نخستین گام برای ازسرگیری بازرسی‌ها انجام شده است، اما هنوز نیاز به توافق بر رویه‌ها و روش‌های فنی برای دسترسی به همه سایت‌ها، به‌ویژه سایت‌های آسیب‌دیده وجود دارد.» او تأکید کرد: «گزارش‌های آژانس فقط وضعیت برنامه هسته‌ای ایران را منعکس می‌کنند و هیچ اطلاعات شگفت‌انگیز یا محرکی برای توجیه اقدامات نظامی ارائه نکرده‌اند.» مدیرکل آژانس افزود: «لحوظ‌فصل باسار میلان هسته‌ای ایران فقط از طریق دیپلماسی ممکن است و اعتماد به گفت‌وگو و تعهد به مسیر دیپلماتیک به گفته سخنگو: «آژانس باید شخصیت مستقل و عدم وابستگی خود را حفظ کند و اجازه ندهد اغراض و منافع سیاسی کشورهایمانند آمریکا و سه کشور اروپایی در تصمیم‌گیری‌ها و گزارش‌های فنی این نهاد اعمال شود.» بقیای این را هم گفت که «کشورهای غربی بارها نشان داده‌اند در سوءاستفاده از سازمان‌های بین‌المللی هیچ حد و مرزی قائل نیستند و آژانس نباید به ابزاری برای منافع سیاسی آنها تبدیل شود.» در پاسخ به پرسشی درباره این‌که آیا تخریب تأسیسات هسته‌ای ایران امکان‌پذیر است، او افزود: «برنامه هسته‌ای را از بین می‌برد؟ سخنگوی وزارت خارجه تأکید کرد: «موضوع هسته‌ای ایران اساساً اختلاف بین‌المللی نیست.» او توضیح داد: «این مسئله با اصرار و فشار آمریکا و سه کشور اروپایی و به بهانه ادعای رژیم صهیونیستی از سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ به دستور کار سازمان ملل تحمیل شده.» او افزود: «ایران همواره بر حق قانونی خود برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، طبق معاهده منع اشاعه، تأکید داشته و این حق نیازی به رسمیت شناختن دیگران ندارد، بلکه حقی است که به موجب عضویت ایران در معاهده به ملت این کشور تعلق دارد.» بقیای در عین حال خاطرنشان کرد: «مسیر دیپلماسی با ایران بسته نیست و هر زمان طرف‌های مقابل آماده گفت‌وگوهای معقول و در چارچوب حقوق و منافع مشروع ایران باشند، امکان ادامه مذاکرات وجود دارد.» او بر این نکته تأکید کرد که «گفت‌وگوها باید بر مبنای احترام به حقوق قانونی ایران و با دوری از اغراض

«شرق» معادلات پرونده هسته‌ای ایران را در هفته‌های منتهی به نشست فصلی شورای حکام واکاوی می‌کند

نوامبر بدون برجام



سیاسی صورت گیرد تا به نتیجه‌ای معنادار و متوازن دست یافت.»

بند ۸ قطع‌نامه ۲۲۳۱، شکاف روایت حقوقی و آینده پرونده هسته‌ای

نشست پیش‌روی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نوامبر، اولین نشست فصلی پس از پایان عمر ۱۰ساله برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ محسوب می‌شود و از همین رو اهمیت فوق‌العاده‌ای در حوزه دیپلماسی هسته‌ای ایران دارد. اختلاف دیدگاه میان جبهه غربی شامل ترونیکیای اروپا و آمریکا و جبهه شرقی شامل ایران، روسیه و چین، در این نشست به اوج خود خواهد رسید. ترونیکیای اروپا و آمریکا بر این باورند که از ششم مهرماه، با شش قطع‌نامه صادرشده، برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ نتوانسته‌اند به پایان عمر خود برسند و پرونده هسته‌ای ایران همچنان موضوعی حساس و تحت نظارت است. در مقابل، ایران همراه با روسیه و چین از ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهر ۱۴۰۴) معتقدند که پایان اعتبار این قطع‌نامه‌ها به معنای بازگشت پرونده هسته‌ای ایران به مسیر عادی و غیرسیاسی است و از این پس، مدیرکل آژانس دیگر ملزم به ارائه گزارش‌های مرتبط با برجام نخواهد بود. همان‌طور که کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی وزارت خارجه، شنبه هفته جاری برای آن تصریح کرده است.

محمدجواد ظریف هم از اقدام کشورهای جهان در اجرای بند ۸ قطع‌نامه ۲۲۳۱ به معنای خارج‌شدن پرونده ایران از دستور کار شورای امنیت حمایت کرد. وزیر امور خارجه پیشین در حساب یکس خود نوشت: «برجام از سه کشور اروپایی می‌خواست که تلاش‌های مبتنی بر حسن نیت در زمینه حل اختلاف را توضیح دهند؛ در عوض، سه کشور اروپایی از تجاوز نظامی برای نابودی تأسیسات تحت پادمان و فشار حداکثری علیه اقتصاد ایران حمایت کردند. چین، ایران، روسیه و ۱۲۰ عضو جنبش عدم تعهد اظهار می‌کنند که سوه‌نیت سه کشور اروپایی در شورای امنیت مسلل متحد نامعتبر است و بند ۸ قطع‌نامه ۲۲۳۱ (لغو ۲۲۳۱) و تداوم لغو همه قطع‌نامه‌های قبلی و پایان رسیدگی (شورا) عملیاتی شده است.» اسماعیل بقایی نیز در نشست خبری خود تأکید کرد «روایت داخلی درباره اسنپ‌یک در برجام درست است.» به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه، «ایران به پایان قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت پایبند است و این قطع‌نامه در ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) خاتمه یافته است. با این حال، حقوقی که ایران براساس این قطع‌نامه کسب کرده، همچنان برقرار است و برخی تعهدات و فعالیت‌های هسته‌ای ایران کشور، مستقل از قطع‌نامه ادامه می‌یابد.» این دیپلمات کشورمان یادآور شد: «برجام ماهیتی موقتی داشت و هدف آن رفع تحریم‌های غیرقانونی علیه ایران در برابر پذیرش اقدامات شفاف‌ساز و اعتمادساز بود؛ بنابراین چارچوب حقوقی فعالیت‌های هسته‌ای ایران پس از پایان قطع‌نامه براساس حقوق قانونی کشور ادامه می‌یابد.» علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اروپایی‌ها بدون مبنای حقوقی، «مکانیسم ماشه» را فعال کردند. نقض شرایط مشترک ایران، روسیه و چین؛ این اقدام غیرقانونی و سوءاستفاده از اسنپ‌یک است. ایران در ۱۰ سال گذشته همه تعهداتش را انجام داده و بازگشت تحریم‌ها مشروعیت ندارد.» در همین حال کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه، در واکنش به تحولات اخیر در روابط ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اظهار کرد: «در چارچوب توافق قاهره، پیش‌تر در اسناد کلی هفته به درخواست‌های آژانس پاسخ می‌دادیم، اما اکنون دیگر چنین همکاری‌ای انجام نمی‌شود.» او با اشاره به درخواست جدید آژانس افزود: «درخواست‌های جدید آژانس به شورای عالی امنیت ملی ارجاع شده و تصمیم‌گیری درباره آنها در سطح ملی صورت خواهد گرفت.» غریب‌آبادی همچنین به اظهارات اخیر رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، اشاره و عنوان کرد: «گروسی روز یکشنبه در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد که نیازمند همکاری کامل با ایران هستیم، اما این شرایط زمانی فراهم می‌شود که ایران آن را در راستای منافع خود بداند.»

با توجه به همین موضع‌گیری‌ها و از منظر تحلیل سیاسی، نشست پیش‌رو با ویژگی‌های خاصی همراه است. تجربه چند دوره گذشته نشان داده است که واکنش‌های تهران پس از تصویب قطع‌نامه‌های شورای حکام عمدتاً جنبه نمادین داشته و با توقف موقت برخی همکاری‌ها همراه می‌شد، اما این بار، ایران قصد دارد رویکردی متفاوت اتخاذ کند. این رویکرد مبتنی بر حفظ حداقل سطح همکاری‌های پادمانی و جلوگیری از بهره‌برداری سیاسی و رسانه‌ای گروسی و متحدان غربی او است. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، همچنان تحت تأثیر واشنگتن برای حفظ شانس خود در رقابت‌های آتی دیرکلی سازمان ملل و حمایت دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۶ عمل می‌کند؛ بنابراین پیش‌بینی می‌شود تلاش برای فشار رسانه‌ای و سیاسی در نشست آینده ادامه یابد.

رویکرد تهران مبتنی بر تفکیک دقیق میان «پادمان» و «نظارت» فراتر از پادمان» است؛ به این معنا که همکاری با آژانس ادامه می‌یابد، اما چارچوب آن محدود به تعهدات حقوقی و پادمانی می‌شود و از تبدیل‌شدن ابزار نظارت به اهرم فشار سیاسی جلوگیری خواهد شد. مقام‌های ایرانی بارها تأکید کرده‌اند که

سیاست کشور نه خروج از ان‌پی‌تی است و نه تقابل با آژانس، بلکه همکاری در چارچوب تعهدات مشروع است. از نگاه راهبردی، تهران از تجربه گذشته آموخته که واکنش‌های تند یا توقف ناگهانی همکاری‌ها می‌تواند زمین بازی را به نفع مخالفان تغییر دهد و زمینه صدور قطع‌نامه‌های جدید علیه برنامه هسته‌ای ایران را فراهم کند. در نتیجه، پیش‌بینی می‌شود ایران در نشست نوامبر با رویکردی هدفمند، آرام‌اما محکم وارد شود؛ هدفی که شامل کنترل بحران، خنثی‌سازی فشار رسانه‌ای و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی چندجانبه در بلوک شرق است. تهران تلاش خواهد کرد تا اجازه ندهد فضای رسانه‌ای، زمینه تحركات سیاسی علیه برنامه هسته‌ای کشور را فراهم کند و نشان دهد که پرونده هسته‌ای ایران اکنون از چارچوب سیاسی خارج شده و باید در مسیر قانونی و فنی خود ادامه یابد. این رویکرد، نقطه عطفی در تاریخ دیپلماسی هسته‌ای ایران و آغاز فصل تازه‌ای از تعاملات هسته‌ای به حساب می‌آید که بر پایه منافع ملی و تعهدات بین‌المللی تنظیم شده است.

افق مبهم مذاکرات

در این میان، بی‌شک مهم‌ترین عاملی که می‌تواند همه معادلات جاری را تغییر دهد و حتی رویکردهای فنی و کارشناسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تحت تأثیر قرار دهد، روند مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکاست. هرگونه پیشرفت یا عقب‌نشینی در این مذاکرات، نه‌تنها بر چارچوب همکاری‌های پادمانی و دسترسی بازرسان تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند خط سیر گزارش‌دهی و تحلیل‌های آژانس را نیز دگرگون کند. تحلیلگران بر این باورند که نتیجه این گفت‌وگوها تعیین‌کننده ماهیت تعاملات دیپلماتیک، امنیتی و رسانه‌ای منطقه خواهد بود و نقشی کلیدی در کاهش یا تشدید تنش‌ها ایفا می‌کند. در این زمینه استیو وینکاف، فرستاده ویژه ترامپ، در گفت‌وگویش با سی‌بی‌اس خبر داده «تماس‌هایی از ایرانی‌ها هم دریافت می‌کنیم، می‌دانید ماودایرم که یک راه‌حل دیپلماتیک بلندمدت با ایران نداشته باشیم. داریم روی این مسئله کار می‌کنیم. ما داریم با این کار می‌کنیم.» اما تنها صحبت می‌کنیم.» در مقابل، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، درباره اظهارات استیو وینکاف مبنی بر اینکه تماس‌هایی از ایران دریافت کرده است، خبر داد: «تماس‌های غیرمستقیم و واسطه بین ایران و طرف‌های مقابل، مانند گذشته کم‌وبیش ادامه دارد و در این چارچوب واسطه‌ها پیام‌هایی میان طرفین تبادل کرده‌اند. با این حال، نمی‌توان گفت که ایران در آستانه ورود به یک روند مذاکراتی قرار دارد؛ فعلاً شرایط لازم برای آغاز مذاکرات رسمی و جدی هنوز فراهم نیست.»

اسماعیل بقایی بر این نکته هم تأکید کرد که «تماس‌های ایران با طرف‌های مقابل از طریق واسطه‌ها مانند مصر ادامه دارد، اما این به معنای آغاز مذاکرات رسمی نیست. مذاکره تنها زمانی معنا دارد که طرفین به درک مشترک و احترام متقابل برسند و تقصیر شرایط برابر فراهم باشد، درحالی‌که مطالبات زیاده‌خواهانه مانع از این امر است.» او افزود: «مصر در یک سال اخیر تلاش کرده با استفاده از ظرفیت‌های خود به کاهش تنش‌ها کمک کند و در گفت‌وگوها با ایران، تمرکز اصلی بر تحولات غزه و توقف جنایات رژیم صهیونیستی بوده است؛ جایی که نقش مصر به‌عنوان ضامن نقاهم آتش‌بس اهمیت دارد.» با توجه به همین اظهارات اسماعیل بقایی به نظر می‌رسد دیپلماسی ایران با بن‌بست جدی مواجه شده است. بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه علیه کشور، مسیر مذاکرات رسمی را تا اطلاع ثانوی مسدود کرده و هیچ نشانه‌ای از آغاز گفت‌وگوهای مستقیم میان تهران و طرف‌های غربی مشاهده نمی‌کند. این وضعیت، بازتابی از توازن پیچیده‌ای است که در صحنه بین‌الملل و منطقه شکل گرفته و نشان می‌دهد که اختلافات چارچوب مذاکرات و مطالبات غیرمطمئنی طرف‌های مقابل هنوز به هیچ توافق عملی منجر نشده است. در چنین شرایطی، تحولات منطقه‌ای، مانند مسئله غزه یا تحركات دیگر- بازیگران نقش تعیین‌کننده‌ای در شکستن این بن‌بست ایفا کند. با این حال، در کوتاهمدت، معادلات موجود به وضوح نشان می‌دهد

که گفت‌وگوها تنها در صورت ایجاد شرایط برابر و احترام متقابل به حقوق و امنیت ایران، ممکن خواهد بود. مهم‌ترین عاملی که می‌تواند تمامی معادلات جاری را تغییر داده و حتی رویکردهای فنی و کارشناسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تحت تأثیر قرار دهد، روند مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکاست. هرگونه پیشرفت یا عقب‌نشینی در این مذاکرات، نه‌تنها بر چارچوب همکاری‌های پادمانی و دسترسی بازرسان تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند خط سیر گزارش‌دهی و تحلیل‌های آژانس را نیز دگرگون کند.

گزارش

گزارش «شرق» از ادعاهای رسانه‌ای درباره احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت تهدید نمادین، فشار روانی مالک مصدق: لارنس نورمن، خبرنگار روزنامه وال‌استریت ژورنال، در جدیدترین گزارش خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت اگر ایران همکاری لازم را در زمینه‌های هسته‌ای و فنی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه ندهد، سه کشور اروپایی عضو برجام (انگلیس، فرانسه و آلمان) ممکن است پرونده ایران را تا ماه نوامبر به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهند. او تأکید کرد که کشورهای اروپایی هنوز «۱۲ ماه فرصت قانونی» دارند تا قطع‌نامه مربوط به عدم پایبندی ایران را که در ماه ژوئن صادر شد، به شورای امنیت منتقل کنند. نورمن مدعی شد تهران تلاش دارد «چنین وانمود کند که موضوع حل‌وفصل شده، اما از نگاه اروپایی‌ها چنین نیست. این خبرنگار که معمولاً اخبار مرتبط با دیپلماسی هسته‌ای ایران را از منابع غربی پوشش می‌دهد، نوشت: «اگر ایران به مسیر کنونی ادامه دهد، سه کشور اروپایی ناچار خواهند بود فشارهای سیاسی و حقوقی را در مسیر شورای امنیت دنبال کنند.» انتشار این موضع از سوی یکی از منابع نزدیک به محافل تصمیم‌ساز اروپایی، بار دیگر گمانه‌زنی‌ها درباره آغاز فاز جدیدی از فشار دیپلماتیک بر تهران را تقویت کرده است.

فشار مرحله به مرحله اروپا؛ از مکانیسم ماشه تا دیپلماسی فرپاشی
این فضا سازی رسانه‌ای درباره تهدید اخیر، بخشی از استراتژی مرحله‌ای اتحادیه اروپا برای حفظ فشار حداکثری پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه است. سه کشور اروپایی که با فعال‌سازی ماشه و بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت، عملاً اهرم فشار خود را بر تهران از دست داده‌اند، با حفظ وضعیت موجود در تلاش برای امنیتی‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و اجماع‌سازی در شورای امنیت است. اروپا با درک تغییر موازنه در منطقه، به‌ویژه پس از تحولات اخیر در غزه و اوکراین، در تلاش است تا پرونده هسته‌ای ایران را به اهرمی برای مدیریت روابطش با واشنگتن و تل‌آویو تبدیل کند. برخلاف دوره‌های پیشین، اتحادیه اروپا اکنون کمتر به مذاکره متوازن و برابر با تهران می‌اندیشد و بیشتر به دنبال آن است که با «تداوم تعلیق و تهدید و فشار»، ایران را در مدار مذاکره و توافق جامع قرار دهد. از نگاه ترونیگ، حخط فضای ابهام و تهدید به ارجاع پرونده به شورای امنیت، خود نوعی بازدارندگی سیاسی است. در چنین شرایطی، ایران میان دوگانه «همکاری تاکتیکی» یا «پایداری راهبردی» قرار گرفته است؛ دو گزینه‌ای که هر یک تبعاتی برای موقعیت بین‌المللی و اقتصادی کشور به همراه دارد.

وتوی شرق در برابر سناریوی غرب

با وجود تهدیدهای اروپا، مسیر ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت مانند گذشته تغییر محوار نیست. مخالفت علنی روسیه و چین به‌عنوان دو عضو دائم شورای امنیت با حق وتو درباره اسنپ‌یک و نیز پایان عمر برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱، عملاً امکان تحقق کامل خواسته اروپا و آمریکا را محدود می‌کند. هر دو کشور پیش‌تر هشدار داده‌اند استفاده سیاسی از سازوکار شورای امنیت می‌تواند روند همکاری‌های فنی و نظارتی آژانس را تخریب کند و پرونده ایران را به مسیر بازگشت‌ناپذیر بکشاند. در همین چارچوب، نمایندگان روسیه در وین و نیویورک بارها تأکید کرده‌اند که اختلافات موجود میان تهران و آژانس باید «در سطح فنی و نه سیاسی» حل‌وفصل شود. چین نیز در موضعی مشابه، بر «بازگشت همه طرف‌ها به تعهدات برجامی» تأکید کرده است. بنابراین حتی اگر سه کشور اروپایی پرونده را تا ماه نوامبر به شورای امنیت ببرند، شانس تصویب هرگونه قطع‌نامه الزام‌آور بسیار پایین است و اقدام بیشتر جنبه نمادین و فشار روانی خواهد داشت. با این حال، اروپا همچنان روی «اثرگذاری روانی و رسانه‌ای» این تهدید حساب باز کرده است؛ زیرا اثرات مزمنی راجع پرونده، می‌تواند بر فضای بازار انرژی، نرخ ارز و روابط اقتصادی ایران با شرق و همسایگان تأثیر بگذارد. از این منظر، در حالی که غرب می‌کوشد با ابزارهای سیاسی و حقوقی فشار را حفظ کند، روسیه به نقش سپر بازدارنده را در برابر این سناریو ایفا می‌کند؛ سبری که فعلاً مانع از تحقق کامل خواست اروپا برای بازگرداندن ایران به زیر سایه شورای امنیت خواهد شد.